

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح لمعه، از کتاب المتاجر تا آخر جلد اول (اول اجاره) پایه ۵

چهار گزینه‌ای:

۱- از عبارت «تحلّ الديون المؤجلّة إذا مات المديون و لا تحلّ بموت المالك» استفاده می‌شود که:

أ) دیون متوفی با فوت او حالّ می‌شود

ب) مطالبات مالک با فوت او حالّ می‌شود

ج) در فرض موت مدیون، استفاده طلبکار از مال او حلال است

د) با فوت مالک اموال او برای دیگران حلال نمی‌شود

۲- در عبارت «ولو ادّی المحال علیه فطلب الرجوع لا نكاره الدين و ادعاه المحيل تعارض الاصل والظاهر»

مقتضای ... برائت ذمه محال علیه و..... اشتغال ذمه اوست.

أ) اصل - ظاهر ب) ظاهر - ظاهر ج) ظاهر - اصل د) اصل - اصل

۳- اگر در عقد مضاربه میان عامل و مالک در مقدار «رأى المال» و «سود حاصله» نزاعی صورت گرفت به ترتیب

اول چه کسی مقدّم است؟

أ) مالک - مالک ب) عامل - عامل ج) مالک - عامل د) عامل - مالک

۴- «المعاملة على الاصول [أى الاشجار] بحصة من ثمرها» ... نام دارد.

أ) اجاره ب) مزارعه ج) قباله د) مساقات

تشریحی:

۱- آیا «صیغه قرض» منحصر در لفظ یا الفاظ خاصی است؟ چرا؟

«ولو جعل لحالّ ثمناً و لمؤجلّ أزيد منه أو فاوت بين أجلين في الثمن بطل لجهالة الثمن».

۲- دو فرع ذکر شده در عبارت فوق را بیان کرده، علت جهل به ثمن را نیز توضیح دهید.

۳- «حواله» را تعریف کرده، ذکر کنید در چه صورتی حواله مشابه ضمان می‌گردد.

«قال النبي (ص): (لا يتوكل حاضر لبادٍ، دَعُوا الناسَ يرزق الله بعضهم من بعض».

۴- از حدیث فوق چه ادبی از آداب بیع استفاده شده است؟ وجه استدلال را توضیح دهید.

۵- «بیع سلم» را تعریف کرده و دو شرط از شروط اختصاصی آن را بنویسید.

«يشترط كون المبيع ممّا يملك، فلا يصحّ بيع الحرّ، و ما لا نفع فيه غالباً كالحشرات، و فضلات

الانسان إلاّ لبن المرأة، و لا المباحات قبل الحيّزة».

۶- منظور از «مایملک» و «حیازة» چیست؟ قید «غالباً» برای احتراز از چیست؟

«من آداب البيع ترك نسبة الربح والوضعية إلى رأس المال بأن يقول: (بعتك بمائة و ربح المائة عشرة

أو وضعيتها)؛ للنهي عنه؛ و لأنه بصورة الربا».

۷- فرع فوق را ضمن یک مثال، توضیح دهید. چگونه عمل مذکور در صورت ربا است؟

«فی عقد البیع و هو الايجاب والقبول الدالان على نقل الملك بعوض معلوم».

۸- عقد «مضاربه» با کدام یک از قیدها خارج می‌شود؟ آیا «عقد اجاره» نیز خارج می‌شود؟ چرا؟

«يجوز بيع ما يُخْرَطُ كَالْحَنَاءِ وَالتُّوتِ خَرْطَةً وَ خِرطَاتٍ، وَ ما يَجْزُ كَالرُّطْبَةِ - وَ هِيَ الفِصَّةُ - وَالبَقْلُ جَزَّةً وَ جَزَاتٍ. وَ لا تدخل الثمرة بعد ظهورها في بيع الأصول إلا في ثمرة النخل بشرط عدم التأبير».

۹- فرع «يجوز بيع ما يخرط... جزآت» را توضیح دهید، منظور از «الأصول» و «عدم التأبير» چیست؟

http://\zokr.com انجمنهای تخصصی دروس حوزه های علمیه http://\zokr.ir

http://yaalee.com انجمنهای تخصصی فقه أهل بیت (علیهم السلام) http://yaalee.ir

Copyright © \Zokr.Com

Copyright © Yaalee.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است.